

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**واحد دماوند**

**گروه حقوق**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق «M.A»**

**گرایش: خصوصی**

**عنوان:**

**جبران خسارت ناشی از درمان و از کارافتادگی در فقه و حقوق ایران**

**استاد راهنما:**

**دکتر میترا ضرابی**

**نگارش:**

**مژگان گیلانی لاریمی**

**بهار ۱۳۹۷**

**ب**



## معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

### شور اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ماد انبجیان و اعضاء هیئت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل تحقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی تحقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی تحقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشیدگان (انسن، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقت و رعایت جانب تقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقت و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجیان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانت: التزام به برانت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلائند.



تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب ..... دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته/دکترای تخصصی در رشته ..... که در تاریخ ..... از پایان نامه/ رساله خود تحت عنوان " ..... " با کسب نمره ..... و درجه .....

..... دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱) این پایان نامه/ رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲) این پایان نامه/ رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزشی عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

امضاء



**بسمه تعالی**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند**

**فرم تایید اصلاحات داوری**

طبق فرم اصلاحات داوری به شماره .....

۱- پایان نامه دانشجو خانم

از نظر محتوا مورد تایید اساتید می باشد.

امضا مسئول کتابخانه

## فهرست مطالب

۱	چکیده
	<b>فصل ۱: کلیات تحقیق</b>
۳	مقدمه
۳	الف- بیان مسئله
۵	ب- سابقه تحقیق
۵	ج- اهداف تحقیق
۵	د- پرسش های تحقیق
۶	ه - فرضیه های تحقیق
۶	مبحث اول: انواع صدمات
۶	گفتار اول: جراحی
۷	گفتار دوم: نقص عضو
۷	بند اول: فلج شدن کلی اعضا
۱۰	بند دوم: نقص عضو جزئی
۱۱	مبحث دوم: انواع خسارت بدنی
۱۱	گفتار اول: صدمه بدنی
۱۲	بند اول: انواع صدمه بدنی از جهت متعلق صدمه
۱۳	الف- ضررهای مالی مثل شکستن دندان دیگری
۱۵	گفتار دوم: از کارافتادگی
۱۶	گفتار سوم: خسارات مادی و معنوی
۱۶	بند اول: مفهوم خسارت در قانون مدنی

- بند دوم: مفهوم خسارت در قانون مسئولیت مدنی ----- ۱۷
- بند سوم: مفهوم خسارت در عرف ----- ۱۸
- گفتار چهارم: انواع خسارت در حقوق ایران ----- ۱۹
- بند اول: خسارت مادی ----- ۱۹
- بند دوم: خسارت معنوی ----- ۲۲

## فصل ۲: مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

- مبحث اول: دیه ----- ۳۳
- گفتار اول: دیدگاه فقهی ----- ۳۳
- گفتار دوم: از دیدگاه قانونی ----- ۳۶
- گفتار سوم: از دیدگاه حقوقی ----- ۳۹
- بند اول: ماهیت جزایی ----- ۳۹
- بند دوم: ماهیت خسارت ----- ۴۱
- بند سوم: ماهیت دوگانه ----- ۴۴
- مبحث دوم: شرایط و ارکان تحقق خسارت و جبران آن ----- ۴۶
- گفتار اول: وجود فعل زیانبار ----- ۴۷
- بند اول: عدم مشروعیت فعل زیانبار ----- ۴۷
- بند دوم: وجود تقصیر ----- ۵۰
- گفتار دوم: وجود ضرر و زیان ----- ۵۴
- گفتار سوم: متضرر از جرم ----- ۵۹
- گفتار چهارم: رابطه سببیت ----- ۶۱
- بند اول: اجتماع اسباب ----- ۶۳

بند دوم: اسباب خارجی و اثر آن در مسئولیت ----- ۶۴

### فصل ۳: روش تحقیق

مبحث اول: جبران خسارت های ناشی از درمان ----- ۶۶

گفتار اول: روش های جبران ضررهای جسمانی ----- ۶۶

گفتار دوم: خسارات مازاد بر دیه ----- ۶۷

گفتار سوم: روش جبران خسارت زیان های معنوی ----- ۷۲

گفتار چهارم: خسارت معنوی ----- ۷۲

بند اول: فقه اسلامی ----- ۷۴

بند دوم: حقوق تطبیقی ----- ۷۵

مبحث دوم: جبران خسارت ناشی از حادثه ----- ۷۶

گفتار اول: جبران خسارات به وسیله دیه و مازاد بر آن ----- ۷۸

گفتار دوم: خسارات ناشی از عدم النفع ----- ۸۰

بند اول: جایگاه خسارات عدم النفع ----- ۸۰

بند دوم: نظر حقوقدانان ها ----- ۸۳

بند سوم: قوانین موضوعه ----- ۸۴

گفتار سوم: قانون آیین دادرسی مدنی سال ۷۹ ----- ۸۴

بند چهارم: الزام به جبران خسارت ----- ۸۶

بند پنجم - نحوه طرح و شیوه های جبران خسارت ناشی از عدم النفع ----- ۸۸

مبحث سوم: رویه قضایی ----- ۸۹

مبحث چهارم: قوانین موضوعه در مورد خسارات عدم النفع ----- ۹۵

گفتار اول: قانون مسئولیت مدنی ----- ۹۵



گفتار دوم: قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری ----- ۹۶

## فصل ۴: بحث و نتیجه گیری

نتیجه گیری ----- ۱۰۰

منابع و مآخذ ----- ۱۰۲

منابع فارسی ----- ۱۰۲

منابع عربی ----- ۱۰۶

منابع انگلیسی ----- ۱۰۸

ABSTRACT ----- ۱۰۹

## چکیده

قواعد حقوقی ناظر بر خسارات ناشی از صدمات جانی، اصلی ترین بخش حقوق مسئولیت مدنی را تشکیل میدهد. از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی و حکومت قواعد فقهی در این بخش حقوق ایران، سؤالات و ابهامات بسیاری در مورد حکم طیف وسیعی از خسارات ناشی از صدمات جانی و مشخصاً خسارات معنوی و خسارات مالی راجع به هزینه درمان و ازکارافتادگی مطرح گردید که به رغم گذشت ربع قرن هنوز پا برجاست و حکم آنها برای جامعه حقوقی و حتی دادگاهها روشن نیست.

ریشه این ابهام، اصرار فقها بر پرداخت صرفاً دیه و عدم قابلیت جبران دیگر خسارات و مشخصاً هزینه درمان و ازکارافتادگی، از یک طرف، و مقاومت حقوقدانان و دادگاهها به علت ناعادلانه بودن این حکم و تفاسیر دیگری از احکام فقهی بوده که مورد قبول فقها قرار نگرفته است. در این پایان نامه سعی شده تا با شناخت منطق فقهی و منطق تحول جبران خسارت جانی از صرف دیه تا جبران خسارات جانی، به تفکیک خسارات معنوی و مادی در حقوق جدید دنیا پرداخته شده و بازخوانی جدیدی از مباحث فقهی و حقوقی صورت گرفته و راه حلی مناسب با منطق فقهی و مبانی عدالت برای حل این گره گشوده نشده حقوق ایران ارائه گردد.

**کلید واژگان:** خسارت بدنی، ازکارافتادگی، خسارت مادی، دیه، خسارت معنوی، صدمه

# فصل ۱:

## کلیات تحقیق

## مقدمه

انسان از لحظهٔ آفرینش به عنوان اشرف مخلوقات در نزد پروردگار آن چنان ارج و قدر داشت که پروردگار عالم از روح خود در او دمید و آن چنان آدمی را گرامی داشت که تمامی جن و ملائک در مقابل انسان سر سجده فرود آوردند. خداوند به انسان قدرت تفکر و تعقل و اختیار بخشید ولی انسان را به حال خویش رها ننمود و او را در برابر احترام به حیات یکدیگر مسئول قرار داد. همان گونه که خلقت انسان امری خارج از ارادهٔ انسان های دیگر است، اختیار مرگ و حیات او نیز در دست دیگران نیست. انسان ها نیز در راستای پیروی از فرمان الهی و دستورات اخلاقی، جان یکدیگر را محترم دانسته و قوانین جاری را بر همین مبنا استوار ساخته اند. بحث قابلیت جبران خسارات از دیرباز جزء موضوعات جنجال برانگیز حقوق تمام کشورها بوده و اهمیت ویژه بدان داده شده است زیرا هر کس زبانی به دیگری وارد نماید، صرف نظر از نوع آن (مالی، معنوی، بدنی و جانی) در صورت جمع بودن دیگر شرایط (فعل زیان بار، ورود ضرر و رابطهٔ سببیت) مکلف به جبران کامل همهٔ خسارت می باشد. شخصی که از فعل زیان بار متضرر شده می تواند جبران خسارت وارد آمده را خواستار شود. الزام به جبران خسارت تا اندازه ای اثر تأدیبی بر خطاکار دارد و در عین حال تا حدودی زیان دیده آن را التیام بخش صدمه ای می داند که به او وارد شده است. علاوه بر این، حکمی که خطاکار را ملزم به جبران خسارت می کند، ممکن است خطاکار و دیگران را از ارتکاب آن فعل زیان بار در آینده باز دارد. سرانجام این که الزام به جبران خسارت عموماً مانع از آن می شود که عامل زیان، منفعتی را از طریق فعل زیان بار ارتکابی به دست آورد. النهایه، این جبران خسارت که به عنوان امر مسلم مورد پذیرش نظام های حقوقی است، حسب یک نظام با نظام دیگر متفاوت می گردد و در این ارتباط تفاوت آشکاری بین قواعد فقه و نظام ایران که خود برگرفته از فقه امامیه است دیده نمی شود.

## الف- بیان مسئله

از موضوعات مهم در مسئولیت مدنی که جایگاه ویژه ای در فقه و حقوق موضوعه دارد بحث جبران خسارتی است که از صدمات بدنی و در نتیجه از کارافتادگی فرد ناشی می شود. لزوم جبران خسارات جانی در فقه اسلامی و حقوق ایران هیچگاه مورد تردید نبوده است. شرع مقدس بر اساس شدت و نوع خسارت جانی، میزان مشخصی مال به عنوان دیه تعیین نموده است که از طرف جانی به خسارت دیده باید پرداخت شود و در صورت معین نبودن دیه، حاکم با توجه به شدت خسارت وارده، حکم به پرداخت ارزش صادر می کند.

در نظام های حقوقی غربی خسارت ها به دو دسته تقسیم می شود. بخشی از این خسارات معنوی هستند و قسمتی از صدماتی که به مصدوم وارد می شود خسارات مادی و اقتصادی است که در پی صدمات جانی ایجاد می شود. این خسارات شامل هزینه درمان، تلف منفعت کاری و از کارافتادگی، هزینه های استخدام دیگری برای مراقبت و پرستاری دائم یا موقت از زیان دیده است که طبیعتی مادی و پولی دارد و با پول اندازه گیری می شوند.

بر این اساس نظام های حقوقی جدید میزان خسارات مالی و غیر مالی ناشی از خسارات جانی را تعیین می نمایند. در حقوق ایران نیز بر اساس قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ این نگرش وجود دارد مطابق ماده ۵ این قانون:

« اگر بر اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگی او بشود وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می نماید....»

ماده ۶ قانون فوق مقرر می دارد:

« در صورت مرگ آسیب دیده، زیان شامل کلیه هزینه ها، مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد. اگر مرگ فوری نباشد، هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزو زیان محسوب خواهد شد...»

این قانون به صراحت پرداخت خسارات مادی را بر اساس اوضاع و احوال پذیرفته است این درحالی است که فقها صرفاً به پرداخت دیه و عدم قابلیت جبران دیگر خسارات و مشخصاً هزینه درمان و از کارافتادگی اصرار دارند. و معمولاً دیه جایگزین، بنظر حقوقدانان یک حکم فقهی ناعادلانه است. این امر حقوقدانان و قضات را سردرگم کرده است و سوالات و ابهاماتی در رابطه با خسارات ناشی از صدمات جانی و مشخصاً خسارات مالی راجع به هزینه درمان و از کارافتادگی مطرح کرده است. از جمله اینکه معیار اعاده وضع به حالت سابق و رضایت زیان دیده در جبران خسارت چیست؟ دیه به عنوان نهاد جبران خسارت در فقه در صورت از کارافتادگی زیان دیده چه موضعی را اتخاذ کرده است؟

مسئله ما در این پژوهش شناخت سازوکارهای حقوق مدنی جبران خسارت جانی در رابطه با از کارافتادگی و تطبیق آن با منطق فقهی و تحولات جدید است.

## ب- سابقه تحقیق

موضوع تحقیق حاضر به صورت جزئی و دقیق مورد بحث قرار نگرفته است اما آثاری در رابطه با جبران خسارت های بدنی نوشته شده است که می تواند در این تحقیق مورد استفاده قرار گیرد از جمله این تالیفات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- صادقی، محمد هادی، ۱۳۸۸، جبران خسارت در جنایت، تهران، نشر میزان  
کتاب حاضر با تأکید بر وفاداری به مبانی حقوقی و متکی بر منابع فقهی به طرح موضوع های فقهی و حقوقی ایران در این رابطه پرداخته است.

۲- رحیمی پردنجانی، ۱۳۹۲، معیار و ضابطه جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم  
در این پایان نامه مشکلات موجود در رابطه با جبران خسارت در حقوق ایران و حقوق انگلستان مورد مطالعه قرار گرفته است البته در این مطالعه خسارات معنوی و مادی توأمان بررسی شده است.

۳- بابائی، ایرج، ۱۳۸۹، جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم  
این تحقیق تحولات جبران خسارت جانی از صرف دیه تا جبران خسارت جانی به تفکیک معنوی و مادی در حقوق جدید و فقه پرداخته شده است.

## ج- اهداف تحقیق

- ۱- تبیین موضع فقه و حقوق در رابطه با جبران خسارات مادی
- ۲- ارائه راهکارهایی جهت تطبیق موضع فقه با تحولات دنیای جدید
- ۳- رفع ابهامات موجود در رابطه با جبران خسارت و ارائه الگویی واحد
- ۴- شناسایی ماهیت دیه و هدف کیفر یا جبران خسارت آن

## د- پرسش های تحقیق

### سوال اصلی:

- ۱- حقوق مدنی چه روشی برای جبران خسارت معالجه و از کارافتادگی زیان دیده در نظر گرفته است؟

## سوالات فرعی:

- ۱- دیه ماهیتی کیفری دارد یا می تواند بعنوان شیوه جبران خسارت باشد؟
- ۲- حقوق موضوعه ضابطه جبران خسارات مادی و اقتصادی را بر چه مبنایی استوار کرده است؟

### ه - فرضیه های تحقیق

- ۱- حقوق مدنی بر مبنای حقوق غرب جبران خسارت ناشی از کارافتادگی را با توجه به اوضاع و احوال شخصی پذیرفته است.
- ۲- دیه هم جنبه کیفری و بازدارندگی دارد و هم می تواند شیوه ی جبران خسارت باشد.
- ۳- حقوق موضوعه ضابطه و معیار جبران خسارت را مادی و قابل اندازه گیری با پول در نظر گرفته است.

### مبحث اول: انواع صدمات

#### گفتار اول: جراحات

این واژه از ریشه جرح، به معنای زخم است که جمع آن جراحات است.<sup>۱</sup>

جرح در لغت به معنی زخم زدن بوده و به آسیب هایی گفته می شود که موجب از هم گسیختگی بافت ها شده و با خونریزی ظاهری و بیرونی همراه باشد مانند خراشیدگی، بریدگی یا پارگی دست.<sup>۲</sup>

در بعضی از مواقع، ضرب و جرح ممکن است با شکستگی هایی همراه باشد مثلاً در اثر ضربه زدن استخوان بینی فردی بشکند یا گوش فردی بریده شود.

ضربه زدن ممکن است توسط فرد با دست و یا پا و یا وسایل دیگری مانند سنگ و چوب انجام شود و آنچه که مهم است هیچ یک از این وسایل نمیباشد بلکه نوع و مقدار صدمه ای است که در ظاهر اندام فرد ایجاد شده است.

<sup>۱</sup> ابن منظور، لسان العرب، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۱۰، ذیل واژه جرح

<sup>۲</sup> معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، ۱۴۲۵

احکام جراحات در منابع فقهی، عمدتاً در باب جنایات مطرح شده و ایجاد جراحی یکی از اقسام سه‌گانه: جنایتهای کمتر از جنایت نفس، جنایت بر اعضای بدن، جنایت بر منافع اعضا است.<sup>۱</sup>

جراحات بر دو گونه‌اند: شجاج و جراح .

شجاج (جمع شَجَة) زخمهای سر و صورت، و جراح (جمع جُرْح) زخمهای سایر اعضای بدن است.<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: نقص عضو

نقص عضو از کار افتادن یا از بین رفتن یک عضو از بدن را می‌گویند. نقص عضو را می‌توان در معنای فلج و شلل شدن تعبیر کرد. فلج شدن می‌تواند به صورت کلی و جزئی باشد. در ادامه به تعریف هر دو قسمت خواهیم پرداخت:

### بند اول: فلج شدن کلی اعضا

فلج از نظر لغت به معنای آب روان از چشمه و مانند آن،<sup>۳</sup> پیروزی و غلبه کردن و خلل و فاصله بین دو چیز آمده است. شلل نیز به معنای دور شدن و طرد کردن است<sup>۴</sup> و در معنای مجازی به سیاهی گفته میشود که بر لباس بنشیند و تمیز نگردد. از نظر پزشکی فلج و شلل به معنای از کار افتادن تمام یا قسمتی از اعصاب حرکت دهنده است، که ممکن است بر اثر ضربه، شوک، ترس و یا به علت امراض عفونی باشد که یک نوع بیماری به شمار می‌آید.<sup>۵</sup> در اندامهای بدن اگر عیب مفصلی، عضلانی، تغییر محور عضو و مانند آن باشد، معادل فلج عضو است. میزان استفاده از عضلات بدن و همچنین تنظیم سرعت زمان حرکات را کنترل عضله می‌گویند.<sup>۶</sup> برخی از اعضایی که فلج کردن درباره ی آنها مطرح است به قرار زیر است:

<sup>۱</sup> جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ذیل «جنایات»، تهران ۱۳۷۸ ش.

<sup>۲</sup> ابن منظور، لسان العرب، پیشین، ذیل واژه «شجاج»

<sup>۳</sup> فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۶، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، موسسه دار الهجره، ۱۴۱۰، ص ۱۵۲

<sup>۴</sup> ابن فارس، ابوالحسین، احمدزکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴

<sup>۵</sup> حلی، ۱۴۱۳هـ؛ نقل از صالحی، فاضل، دیه یا مجازات مالی، قم مرکز دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸، ص

۳۲۸

<sup>۶</sup> گودرزی، فرامرز، و کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

۱۳۸۷، ص ۴۲



الف: دست و پا

از آنجا که شلل دست و پا از نظر حکم متحد است. بنابراین حکم شلل دست و پا با هم در یک جا بررسی می‌گردد. مصداق بارز شلل، فلج شدن دست و پا و انگشتان این دو است و مراد آن است که دست و پا قدرت حرکت کردن نداشته باشند اما بنا بر نظر برخی لغت دانان و فقیهان فلج و شلل دست و پا به معنای فاسد شدن است و یا چنانچه از برخی از لغویان نقل شده، شلل به معنای خشک شدن دست است.<sup>۱</sup>

ب- آلت تناسلی مرد

فلج و شلل آلت تناسلی مرد به این است که حس از آن برود (عبد الرحمان، بیتا) در کلمات فقهاء برای آلت تناسلی مرد، دو نوع شلل بیان شده است: یکی عنن و عدم مقاربت جنسی است و دیگری سست شدن میباشد.

ج- بینی

بسیاری از فقهاء از جمله صاحب ریاض، شلل بینی را فساد آن میدانند.<sup>۲</sup> ولی روشن نیست که منظور از فساد همان استحشاف (خشک شدن) است یا از بین رفتن قوه شامه و یا چیز دیگر. بنابراین شلل در مورد بینی متصور است؛ یعنی بینی بر سر جای خودش هست و وقتی از دور نگاه میشود، سالم بنظر میرسد، اما از کار افتاده است. این بدان معنا نیست که قوه شامه و بویایی از میان رفته است، چرا که از بین رفتن آن باعث دیه کامل است، بلکه به معنای سست شدن و خشک شدن است به گونه ای که فاقد حس بوده و قابل حرکت نباشد؛ همانگونه که صاحب جواهر استحشاف بینی را شلل آن میدانند.<sup>۳</sup>

د- گوش

وضعیت فلج گوش آن سان که از کلام فقیهان بر میآید، بدین صورت است که نرمه گوش و خود گوش حالت خود را از دست بدهند حال اعم است از این که خشک شود (یا نشود) و در نتیجه کوچک و جمع گردد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ابن منظور، جمال الدن محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، بیروت دارالفکر، ۱۴۱۴، ۵۲۳

<sup>۲</sup> طباطبایی، علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام، ج ۱۶، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۸، ۴۲۸

<sup>۳</sup> نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۴۲، قم، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، ص ۵۳

<sup>۴</sup> نجفی، محمد حسن، جلد ۲۷، ص ۱۲۷

## ه - چشم

هیچکدام از فقهاء از بین رفتن قدرت بینایی را فلج چشم به حساب نیاورده اند، شاید علت، آن بوده است که از بین بردن قدرت بینایی را موجب دیه کامل میدانند، در حالی که شلل باعث دو سوم دیه است؛ در مقابل چشم فاقد بینایی، عضو فلج «القائمه» به کار رفته است.<sup>۱</sup> در این مسئله میتوان به تفاوت نقص عضو و از کار افتادگی، اشاره کرد. از کار افتادگی اثر نقص عضو در کارایی انسان است، حال آنکه نقص عضو، عیبی است جسمانی مربوط به آسیب یک عضو حرکتی و یا اختلال فیزیولوژیک یکی از احشاء داخلی یا اعضای حسی مانند چشم، گوش و یا نقص زیبایی.<sup>۲</sup>

## و - زبان

از کلام شیخ طوسی و برخی فقیهان چنین بر می آید که فلج زبان به از بین رفتن تکلم است که در نتیجه به گنگی و لالی میانجامد.<sup>۳</sup> ولی این درست به نظر نمیرسد؛ زیرا از بین رفتن تکلم از منافع زبان است که خود دارای دیه مستقل است و شلل زبان به نداشتن حرکت در زبان است و در نتیجه اگر کسی افزون بر اینکه صدا و قدرت تکلم را از بین ببرد، کاری کند که زبان از حرکت باز ایستد، باید یک دیه بابت تکلم و دو سوم دیه بابت شلل زبان بپردازد.<sup>۴</sup> عصب هیپوگلو سال، عصب حرکتی است که تمامی عضلات داخلی بدن را عصب دهی میکند فلج این عضو سفت شدن زبان و همچنین چروکیده شدن آن عضو را به دنبال دارد.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۷، تهران، مکتبه الاحیاء الآثار الجعفریه ۱۳۸۷،

<sup>۲</sup> گودرزی و کیانی، پیشین، ۶۸

<sup>۳</sup> طوسی، پیشین، ۱۸۵

<sup>۴</sup> اعلامه حلی، پیشین ۳۵۹

<sup>۵</sup> محمد یانی نژاد، احسان، اصول شرح حال و معاینات بالینی در بیماریهای مغز و اعصاب، چاپ اول، تهران، انتشارات نوردانش، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷

## ز- لب

مقصود از فلج همان سست شدن لبهاست؛ زیرا سستی لب حاکی از عدم احساس لبهاست و در این حالت (فلج) لب قادر به تلفظ برخی از حروف نمیشود ولی در جمع شدن حرکت عضو به قوت خود باقی است و فرد قادر به تلفظ است.<sup>۱</sup> در سست شدن لبها هم منفعت زیبایی و هم حرکت از بین میرود.<sup>۲</sup>

## ح- دندان

شلل دندان به این صورت میتواند تحقق پیدا کند که سیاه شود ولی نیفتد و یا اینکه لق و سست میگردد که در این صورت نیز در حکم شلل است.<sup>۳</sup> دندان لق با این شبهه روبرو است که در حکم عضو فلج باشد، بنابراین برای از بین بردن دندان لق ثلث دیه به آن تعلق میگیرد.<sup>۴</sup>

## بند دوم: نقص عضو جزئی

چنین به نظر میرسد در عرف، علاوه بر این که به از کار افتادگی مطلق فلج گویند، عدم تعادل در راه رفتن را نیز به طور نسبی نه به طور مطلق در زمره اشخاص فلج به حساب می آورند. نظره اداره حقوقی مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ شماره ۷/۶۵۶۵ آمده است فلج نسبی اعضا مشمول ماده ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی نمی باشد. بلکه مطابق ماده ۴۷۷ و ۳۶۷ همان قانون مورد استعلام از موارد ارش است که باید با مراعات ماده ۴۹۵ همان قانون مراعات گردد.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> شاکری، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ هفتم، تهران، نشر مهاجر، ۱۳۸۴، ۱۸۶

<sup>۲</sup> زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، ققنونس، ۱۳۸۹، ص ۲۳۵

<sup>۳</sup> شهید ثانی، پیشین، ص ۵۳

<sup>۴</sup> صانعی، یوسف، مجمع المسائل، چاپ اول، قم انتشارات میثم تمار، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵

<sup>۵</sup> بازگیر، یدالله، مجموعه آرای قضایی کیفری، تهران، معاونت قوه قضائیه، ۱۳۸۸

## مبحث دوم: انواع خسارت بدنی

### گفتار اول: صدمه بدنی

عبارت صدمات بدنی به صورت موصوف و صفت است. صدمات جمع کلمه صدمه است و معنای آن نیز آسیب و ضربتی است که به چیزی وارد می شود. و در اشکال ترکیبی مثل صدمه خوردن، صدمه زدن و ... استفاده می شود.<sup>۱</sup>

در انگلیسی اصطلاح «injury» در لغت به معنای آسیب و صدمه است. این اصطلاح به معنای هر اشتباه، خطا، تقصیر یا خسارتی است که نسبت به دیگری و یا اینکه نسبت به شخصیت، حق، شهرت یا اموال او ایجاد می شود.<sup>۲</sup>

بدن به معنای جسم می باشد و جسم انسان در مقابل روح انسان قرار می گیرد. بنابراین صدمه بدنی به معنای آسیب جسمانی است.

بنابراین صدمه بدنی یا خسارت جسمی در حقوق ایران به آسیب هایی گفته می شود که به تمامیت جسمی انسان وارد می شود. علاوه بر اینکه هر گونه فعل یا ترک فعلی که منتهی به از دست رفتن کارکرد طبیعی یک عضو از بدن شود خواه به طور کلی یا جزئی، به نوعی که دیگر کارکرد طبیعی آن عضو صورت نگیرد صدمه بدنی محسوب می شود.<sup>۳</sup>

مطلبی که در نوشته های فقها و حقوقدانان وجود دارد این است که آنها در این که صدمه بدنی را به طور مستقل مورد بررسی قرار دهند یا زیر مجموعه و یکی از مصادیق ضررهای مالی و مادی اختلاف نظر دارند. علت اختلاف از یک سو این است که وقتی صدمه ای به بدن کسی وارد می شود موجب هزینه هایی برای وی می شود که در بعضی مواقع هزینه هایی هستند که واقعا سرسام آورند، مخصوصا هزینه هایی که به عنوان دستمزد پزشکان پرداخت می شود. از سوی دیگر صدمه بدنی در بیشتر مواقع منجر به صدمه به روح و روان و افکار و آرامش در زندگی فرد می شود و به عبارت دیگر اصولا خسارت معنوی در پی دارد. پس باید گفت در مواقعی که صدمه بدنی وارد و منجر به خسارت مالی و معنوی شد، یک سبب همه اینها را موجب شده است ولی همین سبب واحد ماهیت های گوناگونی را پدید آورده است که شاید نتوان گفت که کدام یک مهم تر از دیگری است و آن ها را رتبه بندی کرد ولی توصیه هایی که در

<sup>۱</sup> معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ نهم، تهران موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، جلد دوم، ص ۲۱۴۲

<sup>۲</sup>Henry Campbell Blac, op, cit, p.924

<sup>۳</sup> آهنین جگر، حسین، بررسی مصونیت والدین در ایراد صدمات جسمانی به فرزندان در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۸۷، ص ۲۱